

عرفان و عبادت در سیره پیامبر اعظم ﷺ

محمد رضا جباری *

چکیده

عرفان و عبادت از مهم ترین محورهای بحث در سیره نبوی ﷺ است. عبادت، فرع و مترتب بر معرفت است، و از همین روی، پیامبر اعظم ﷺ تحت تربیت الهی مسیر کسب معرفت را چنان طی کرد که آماده پذیرش رسالت عظیم الهی شد. درجات بالای معرفتی آن حضرت، حالتی فرین با ذکر و احساس حضور دائم در پیشگاه حق به او بخشیده بود. این حالت به صورت خشوع و خداترسی و خوف حقیقی از سخط الهی در عبادات آن حضرت متجلی می شد. جلوه های عبادت در سیره پیامبر اعظم ﷺ در نماز و ذکر، تهجد و نوافل، روزه، اعتکاف و حج رخ نموده است. نماز ایشان، که آن را نور چشم خود می خواند، همراه بود با اوج توجه و حضور دل. حضرت رسول ﷺ بر تهجد و نوافل نیز اهتمام خاصی داشتند. همچنین عبادات سنگین و طولانی همراه با فراهم سازی لوازم و مقدمات آن از قبل، و نیز آداب خاصی چون تقسیم نماز بر ساعات شب، بیداری پس از ثلث یا نصف شب و قرائت قرآن و مناجات در گزارش های مربوط به سیره عبادی آن حضرت به چشم می خورد.

واژگان کلیدی: عرفان، عبادت، سیره عبادی، سیره نبوی ﷺ، نماز، نافله، تهجد، حج، اعتکاف و روزه.

* دکتری علوم قرآن و حدیث.

سیره عبادی^۱ پیامبر عظیم‌الشان اسلام از مهم‌ترین محورهای مطرح در سیره نبوی ﷺ است؛ چرا که می‌توان عبادت و عرفان را غایت حرکت انسان - به ویژه پیامبر اکرم ﷺ - در سیر معنوی دانست. اهمیت بعد عرفان و عبادت، مربوط به ارتباط این دو امر با هدف نهایی و متعالی خلقت انسان‌هاست. به حکم گفته الهی در آیه نورانی «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۲ هدف از خلقت بخش تکلیف‌مدار هستی، یعنی انسان و جن، عبادت است، و عبادت نیز بدون معرفت ارزشی ندارد و عبادت مورد نظر این آیه نیز عبادتی قرین و ملازم با معرفت است؛ بدین معنا که هر درجه از عبودیت، درجه‌ای از معرفت را می‌طلبد، و با هر عبادت عارفانه، درجه‌ای برتر از معرفت به دست می‌آید. این روند رو به کمال و رشد، تا بالاترین مراحل امکان معرفت ادامه می‌یابد، و به این ترتیب، مفهوم سخن برخی مفسران که «لیعبدون» را در آیه یاد شده «لیعرفون» معنا کرده‌اند،^۳ روشن می‌شود.

با آنچه گفته آمد روشن شد که معرفت و بصیرت از نظر رتبه مقدم بر عبادت و عبودیت است، و عبادت بی معرفت و شناخت را ارجی نتوان نهاد؛ زیرا تا عبد شناختی - هرچند اندک - به آنچه می‌پرستند نیابد، عبادتش جز کاری لغو، بی‌مبنا، بی‌هدف یا تقلیدی صرف نیست، و عبادی که این چنین‌اند همواره در روایات ملامت شده‌اند و درجه عبادتشان بر اساس درجه عقل و معرفتشان محک خورده است.^۴

عبادت نبوی ﷺ عبادتی بود همراه با بالاترین درجات معرفت به معبود هستی؛ و این سیر معرفتی با زمینه‌های تربیت نبوی ﷺ از دوران کودکی ایشان توسط برترین ملک الهی ادامه یافت،^۵ و سرانجام با اتصال نبی اکرم ﷺ به منبع وحی الهی

۱. گفتنی است در پژوهش حاضر به عبادات بدنی پیامبر اکرم ﷺ پرداخته‌ایم و عبادات مالی نیازمند پژوهشی دیگر است.

۲. ذاریات (۵۱)، ۵۶.

۳. محمدباقر حسینی، الرواشح السماویة، ص ۲۲؛ ملاهادی سبزواری، شرح الاسماء الحسنی، ج ۱، ص ۱۸۹.

۴. ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴، باب من عمل بغير علم.

۵. ولقد قرّن الله من لُدُنْ أَنْ كَانَ فَطِيماً أَعْظَمَ مُلْكَ مِنْ مَلَائِكْتِهِ يَسْلُكُ بِهِ طَرِيقَ الْمَكَارِمِ وَ مُحَاسِنِ اخْتِلاقِ الْعَالَمِ لَيْلَهُ وَ نَهَارَهُ (نهج البلاغه، خطبة ۱۹۲).

پس از رسالت به اوج رسید. پس از مرتبه معرفت، نوبت به ذکر و حضور دل می‌رسد و نیز توجه دایم به منبع عظیم هستی؛ و با این توجه و حضور دل، اعضاء و جوارح نیز در مراتب بعدی همراه شده، عبادات جارحه‌ای قرین عبادات جانحه‌ای می‌گردند. بدین ترتیب شایسته است که مباحث این نوشتار در سه بخش معرفت و بصیرت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ذکر دایم و خدامحوری، و بالأخره عبادت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ طرح شود.

۱. معرفت و بصیرت

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خود، معرفت را سرمایه اصلی خویش معرفی می‌فرمود،^۱ و چنان‌که گذشت، خداوند متعال مسیری رو به کمال را برای فزونی معرفت آن حضرت ترسیم کرده بود. رخداد بعثت برای آن حضرت، همراه بود با پیدایش درجه والایی از معرفت در باب هستی؛ به گونه‌ای که با کنار رفتن پرده‌ها از مقابل دیدگان حقیقت بین آن حضرت، حقایق هستی برای روح متعالی ایشان منکشف و متجلی شد. بنا بر روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام، هنگامی که از آن حضرت پرسیدند پیامبران چگونه به رسالت خویش پی می‌برند؟ فرمود: «پرده از مقابل دیدگان‌شان کنار می‌رود».^۲ در روایتی دیگر نیز آن حضرت در پاسخ زرارۀ که پرسید: چگونه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خوف نداشت که آنچه بر او نازل می‌شد، از نزغات و القائات شیطان باشد، فرمود: «خداوند هنگامی که بنده‌ای را به منزله رسول خویش بر می‌گزیند آن چنان آرامش و اطمینان درونی‌ای بر او نازل می‌کند که دریافت‌هایش از جانب خدا همچون چیزهایی است که به چشم می‌بیند».^۳

۱. عن علی عَلَيْهِ السَّلَام قال: سألت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عن سنته، فقال: المعرفة رأس المال... (ابوالفضل عیاض یحصبی، الشفا بتعريف حقوق المصطفى صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ج ۱، ص ۱۴۶).

۲. ... عن محمد بن سنان عن ذكره عن أبي عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام ... قلت: كيف علمت الرسل إنهم رسل؟ قال: كشف عنها الغطاء... (محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۳۲۸؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۰۵ و ج ۱۱، ص ۵۶).

۳. عن زرارۀ، قال: قلت لأبي عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام: كيف لم يخف رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ في ما يأتيه من قبل الله أن يكون ذلك مما ينزغ به الشيطان؟ قال: فقال: إن الله إذا اتخذ عبدا رسولا أنزل عليه السكينة والوقار فكان الذي يأتيه من قبل الله مثل الذي يراه بعينه (محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۰۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۸، ص ۲۶۲).

بدین لحاظ معرفت و بصیرت و بینشی که لازمه شروع نبوت و رسالت است به اقتضای حکمت الهی در بدو امر نبوت برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حاصل شده بود؛ اما عرصه‌های معرفتی در باب ذات مقدس الهی و آیات او همواره برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گشوده بود و آهنگی رو به کمال داشت. رخداد «اسراء» و «معراج» را می‌توان حرکتی در این راه دانست؛ چرا که به تصریح آیه نخست سوره اسراء، این امر برای ارائه آیات الهی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رخ داد: «منزه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی، که پیرامون آن را برکت داده‌ایم، سیر داد تا از نشانه‌های خود به او بنمایانیم، که وی همان شنوای بیناست»^۱ و معراج، بنابر برخی روایات، در مراحل و دفعات متعددی برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رخ داد و روشن است که در هر نوبت، معرفتی بر معرفت پیشین افزوده می‌شد.^۲

حرکت رو به کمال معرفتی در آن حضرت، روح ایشان را به چنان درجه‌ای از شهود و یقین رسانید که پرده‌های عالم غیب از برابر دیدگان درون بین آن حضرت کنار رفت و آنچه را نادیدنی بود می‌دید. بنابر روایتی که ابوذر، صحابی برجسته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نقل کرده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «من چیزی می‌بینم که شما نمی‌بینید و چیزی می‌شنوم که شما نمی‌شنوید. آسمان [از کثرت ملائک] به سنگینی گراییده و سزاوار است چنین باشد؛ چرا که در آن به قدر موضع چهار انگشت نیز نیست جز آنکه فرشته‌ای پیشانی‌اش را در حال سجده قرار داده است. به خدا قسم اگر می‌دانستید آنچه را می‌دانم، اندک می‌خندیدید و بسیار می‌گریستید، و در بسترها از همسران مثلذ نمی‌شدید و به ارتفاعات رفته، به پیشگاه الهی استغاثه می‌کردید».^۳

۱. سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (اسراء، ۱).

۲. عن صباح المزني عن أبي عبد الله قال: عرج بالنبي صلی الله علیه و آله مائة و عشرين مرة، ما من مرة الا و قد اوصى الله النبي صلی الله علیه و آله بولاية علي عليه السلام و الأئمة من بعده، مما اوصاه بالفرائض (محمد بن حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۹۹؛ محمد بن علي ابن بابويه قمی، الخصال، ص ۶۱).

۳. عن ابي ذر قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: إني أرى ما لاترون و أسمع ما لا تسمعون أظت السماء و حق لها أن تتط ما فيها موضع أربع أصابع الا عليه ملك ساجد، لو علمتم ما أعلم لضحكتم قليلاً و لبعيتم كثيراً و لا تلذتم بالنساء على

نمود دیگری از شهود حقایق هستی در پیامبر اکرم ﷺ اخبار غیبی پرشماری است که از آن حضرت می‌رسید. از این دست می‌توان پیشگویی حضرت درباره تعداد، اسامی و محل قتل کشتگان مشرکان در بدر،^۱ و نیز سخن گفتن حضرت با این کشتگان پس از مرگ آنان و ریخته شدن اجسادشان در یک چاه در منطقه بدر اشاره کرد؛^۲ و هنگامی که عمر به این عمل اعتراض کرد و پرسید که چگونه پیامبر ﷺ با اجساد بی‌روح سخن می‌گوید، حضرت پاسخ دادند: «شما شنواتر از آنان نیستید! جز آنکه آنان توان پاسخگویی ندارند».^۳

۲. مقام خوف و حضور

درجات والای معرفت، در پیامبر اکرم ﷺ حالتی قرین با ذکر و احساس حضور دایم در پیشگاه حضرت حق پدید آورده بود. این حالت به گونه‌های مختلف در آن حضرت نمود می‌یافت. تذکرها و هشدارها به اصحاب درباره حضرت حق و نیز تحذیرها از مرگ و قیامت، همراه با انقلاب روحی که در چهره آن حضرت به صورت تغییر رنگ چهره‌شان ظاهر می‌شد، و همچنین اذکار لسانی و عبادات طاقت‌فرسای جسمانی از نمونه‌های این تجلی است.

۱-۲. خشوع و خداترسی

خداوند مظهر تمام زیبایی‌ها و مهربانی‌هاست؛ اما عظمت او از سویی، و نگرانی انسان از توان انجام وظایفش در برابر حق تعالی از سوی دیگر، در انسان‌های پاک و برجسته‌ای همچون پیامبر اکرم ﷺ روحیه‌ای پدید می‌آورد که از آن می‌توان به

الف فرشات و لغرجم الی الصعدات تجارون الی الله. قال: فقال ابوذر: والله لوددت انی شجرة تعضد (احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۱۷۳؛ احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۵۲؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۱۹۹ - ۲۰۰).

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۶۲.

۲. همان، ص ۵۵.

۳. مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۵ - ۱۶۶؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۴، ص ۲۹ و ج ۳، ص ۱۴۵.

خداترسی تعبیر کرد. خداترسی چنان که ناشی از معرفت درست و والا به حضرت حق است، خود نیز معرفتی برتر در پی می آورد. این ویژگی در موعظه آن حضرت به فضل بن عباس - در آن زمان که سن کمی داشت - چنین انعکاس یافته: «ای جوان، از خدا بترس تا او را در برابر خود بیایی؛ ای جوان، از خدا بترس که تو را از غیر خود بی نیاز سازد...»^۱.

خداترسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نه حالتی تحمیلی بر روح آن حضرت، بلکه نزد وی از محبوب ترین حالات بود؛ چرا که زیباترین حال برای عبد، هنگامی است که توجه به عظمت و جلال مولای خویش کرده، به تبع این توجه، حالت اعظام و خشوع به او دست می دهد. بنابر روایتی از امام صادق علیه السلام، هیچ چیزی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محبوب تر از آن نبود که در حال گرسنگی و خوف الهی به سربرد.^۲

این حالت بیش از هر زمان، به هنگام نماز در آن حضرت تجلی می یافت، و روشن است که نماز، عرصه برترین و عمیق ترین توجهات به حضرت حق است. امیرالمؤمنین علیه السلام، حالت خشوع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به هنگام نماز (خطاب به فردی یهودی، و در قیاس با گریه داوود علیه السلام) چنین توصیف کرده است: «هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نماز می ایستاد، از شدت گریه، از درون سینه حضرت صدایی همچون صدای جوشیدن غذا در درون دیگ به گوش می رسید، و این در حالی بود که خداوند او را از عقابش ایمن ساخته بود، و او می خواست با گریه اش خشوعش را در برابر پروردگارش اظهار کند تا برای پیروانش امام [واسوه] باشد».^۳

۱. یا غلام خف الله تجده أمامک، یا غلام خف الله یکفیک ما سواه... (محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۶۷۵؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۸۹ و ج ۷۴، ص ۱۳۶).
۲. عن طلحة بن زید عن ابي عبد الله علیه السلام قال: ما اعجب رسول الله صلی الله علیه و آله شیء من الدنيا الا أن یکون فیها جائعاً خائفاً (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۲۹، ح ۷) و عن هشام بن سالم و غیره عن ابي عبد الله علیه السلام قال: ما کان شیء أحب الی رسول الله صلی الله علیه و آله من أن یظل جائعاً خائفاً فی الله (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۹ ح ۹۹).
۳. و محمد صلی الله علیه و آله کان اذا قام الی الصلاة سَمِعَ لصدرة وجوفه أذیر کأذیر الموجل علی الأثافي من شدة البكاء و قد آمنه الله عز و جل من عقابه، فاراد أن یتخشع لربه ببکائه و یکون إماماً لمن اقتدی به... (احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۲۶؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۰ و ج ۱۷، ص ۲۵۷ و ۲۸۷ و ج ۳۱).

جلوه‌ای دیگر از مقام خوف نبوی ﷺ، ترس حقیقی ایشان از عذاب و سخط و غضب حضرت حق است؛ و این برخاسته از عمق و وسعت معرفت نبوی ﷺ به حقایق هستی، و از جمله دوزخ و عذاب الهی بود. یکی از مهم‌ترین راه‌های معرفت نبوی ﷺ تعالیم الهی به واسطه فرشته عظیم‌القدرش، یعنی جبرائیل امین بود. بنابر روایتی، روزی جبرئیل در زمانی نامعمول، و به هنگام زوال آفتاب با رنگی پریده، سرزده نزد پیامبر ﷺ آمد. چون پیامبر اکرم ﷺ سبب را جویا شد، پاسخ داد: «در هنگامی [نزد شما] آمدم که خداوند امر فرمود به آتش دوزخ بدمند و چنین شد». در این لحظه پیامبر اکرم ﷺ درباره وصف آتش دوزخ از جبرئیل پرسید، و او نیز با جملاتی عظمت عذاب الهی را برای حضرت توصیف کرد؛ به گونه‌ای که هر دو به شدت به گریه آمدند، و آنان می‌گریستند تا اینکه خداوند از طریق فرشته‌ای به آنان پیغام داد: «ای جبرائیل و ای محمد، خداوند شما را از عصیان و عذابش ایمن ساخته است».^۱ معرفت نبوی ﷺ به حقیقت عذاب الهی چنان یقینی در دل حضرت پدید آورده بود که هنگام سخن گفتن از قیامت، صدایش بلند و چهره‌اش سرخ می‌شد و می‌فرمود: «قیامت همراه شما صبح می‌کند و روز را به شب می‌آورد» و برای بیان میزان نزدیکی قیامت، با نزدیک کردن دو انگشت به یکدیگر می‌فرمود: «بعثت من و وقوع قیامت همچون این دو انگشت‌اند».^۲

و سرانجام، نگاه حقیقت‌بین پیامبر ﷺ به قیامت و عرصات آن، و از جمله

۶۷، ص ۳۸۱ و ج ۸۱، ص ۲۴۸؛ و به طریقی دیگر در منابع غیر شیعی همچون مسند احمد، ج ۴، ص ۲۵؛ احمد بن شعیب نسائی، سنن النسائی، ج ۳، ص ۱۳).

۱. علی بن موسی حسینی، الدرر الوقیة، ص ۲۷۲؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۳۰۵ و ج ۶۷، ص ۳۹۳.

۲. عن ابی عبد الله علیه السلام عن ابیه علیه السلام عن جابر بن عبد الله: «أن رسول الله صلی الله علیه و آله قال فی خطبته: إن أحسن الحدیث کتاب الله، و خیر الهدی هدی محمد، و شرّ الامور محدثاتها، و کل محدثة بدعة، و کل بدعة ضلالة، و کان اذا خطب قال فی خطبته: اما بعد، فاذا ذکر الساعة اشتد صوته و احمزت و جنتاه ثم یقول: صَبَحْتُمْ السَّاعَةَ او مَسَّحْتُمْ، ثم یقول: بعثت أنا و الساعة كهذه من هذه - و یشیر باصبعه (محمد بن محمد مفید، الامالی، ص ۲۱۱؛ محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۳۳۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۳۰۱ و ج ۱۶، ص ۲۵۶ و ج ۷۴، ص ۱۲۲؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۳۱۱؛ احمد بن شعیب نسائی، سنن النسائی، ج ۳، ص ۴۵۰ و ج ۱، ص ۵۵۰.

عذاب موعود، آثار پیری را در وجود آن بزرگوار ظاهر ساخت. ایشان خود در این باره می‌فرمود: «سوره هود و نظایر آن همچون واقعه، قارعه، حاقه، اذا الشمس كورت، و سئل سائل مرا پیر کرد؛ [به دلیل] ذکر روز قیامت و سرگذشت امت‌ها»^۱.

۳. جلوه‌های عبادت

معرفت و بصیرت نبوی صلی الله علیه و آله به حضرت حق، از سویی احساس حضور و ذکر دایم، و از سوی دیگر، تجلی گونه‌های مختلف عبادات جسمانی را در پی داشت. عبادات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که در قالب نماز و روزه و حج و اعتکاف و دعا و قرائت قرآن و ذکر و استغفار و تهجد و... نمود می‌یافت، شایسته تأمل و درس آموزی است؛ چنان که حالات آن حضرت به وقت عبادت، همچون گریه، توجه خاص و تغییر رنگ چهره نیز شایسته توجه و تبعیت است.

۳-۱. نماز و ذکر

در میان گونه‌های عبادت‌های نبوی صلی الله علیه و آله هیچ یک با نماز برابری نمی‌کنند. نماز محبوب‌ترین عبادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نور چشمان ایشان بود.^۲ آن حضرت در این باره به ابوذر فرمود: «ای اباذر، خداوند نور چشم مرا در نماز قرار داده و آن را آن چنان محبوب من ساخته که غذا را برای گرسنه و آب را برای تشنه؛ [جز آنکه] گرسنه با خوردن غذا، و تشنه با نوشیدن آب سیر و سیراب می‌شوند اما من از نماز سیر نمی‌شوم».^۳

۱. شیبتنی سوره هود و اخواتها؛ الواقعة و القارعة و الحاقه و اذا الشمس كورت و سئل سائل؛ شیبتنی هی و اخواتها؛ ذکر يوم القيامة و قصص الأمم (محمد بن عیسی ترمذی، الشمائل المحمدیه، ص ۵۷؛ علی بن عمر الدار قطنی، العلل الواردة فی الاحادیث النبویه، ج ۲، ص ۲۰۹، جلال الدین سیوطی، الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۸۲؛ علی المتقی بن حسام الدین الهندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۵۷۳ و ج ۲، ص ۳۱۳).
 ۲. عن عمر بن یزید عن ابی عبد الله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: جعل قوّة عینی فی الصلاة و لذتی فی النساء و ریحانتی الحسن و الحسین (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۱، ح ۹ و در منابع غیر شیعی به نقل از برخی اصحاب از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: جعلت قرة عینی فی الصلاة؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۰، ص ۴۲۰؛ احمد بن علی بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۲، ص ۳۶۷ و ج ۱۴، ص ۱۹۴).
 ۳. یا اباذر، ان الله تعالی جعل قوّة عینی فی الصلاة و حبیبها الی کما حبیب الی الجائع الطعام و الی الظمان

نیز، هنگام فرا رسیدن وقت نماز به مؤذن خویش، بلال، می فرمود: «ای بلال، [وقت] نماز است، راحت‌مان کن.»^۱ (یعنی با اذان خویش ما را به عرصهٔ مناجات و گفت‌وگو با محبوب وارد ساز). آن حضرت جز اهتمام عملی بر نماز، با تأکیدهای کلامی نیز دیگران را به نماز فرا می خواند، و پیش از همه، اهل بیت خویش را بدان تشویق می کرد. بنابه نقل امیرالمؤمنین علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر روز صبح به اهل بیت عصمت می فرمود: «[هنگام] نماز است؛ خداوند شما را بپامرزد؛ و سپس آیهٔ تطهیر را تلاوت می فرمود.»^۲

(۹۱)

عشق و علاقهٔ نبوی صلی الله علیه و آله به نماز، در چگونگی به جای آوردن نماز و مقدمات آن نیز نمود داشت. آن حضرت رعایت کامل آداب وضو و نیکو گزاردن نماز را موجب نیل به حقیقت ایمان و گشوده شدن درهای بهشت معرفی می فرمود،^۳ و کمال نماز را در اقامهٔ درست و کامل رکوع و سجود می دانست.^۴

برای کسی همچون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ چیز همچون ذکر الهی محبوب و مطلوب

الماء، فان الجائع إذا أكل الطعام شبع، و إذا شرب الماء روي، و أنا لا أشبع من الصلاة (محمد بن محمد مفید، الامالی، ص ۵۲۸).

۱. عن عبدالله بن محمد بن الحنيفة قال: انطلقت مع أبي الى صهر لنا من أسلم من اصحاب النبي صلی الله علیه و آله فسمعته يقول: سمعت رسول الله صلی الله علیه و آله يقول: ارحنا بها يا بلال الصلاة (سليمان بن احمد طبرانی، المعجم الكبير، ج ۶، ص ۲۲۷؛ و ر.ك: احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۳۶۴؛ علی بن عمر الدار القطنی، علل الدار قطنی، ج ۴، ص ۱۲۱؛ احمد بن علی بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۰، ص ۴۴۲؛ زین الدین علی عاملی، رسائل الشهيد الثاني، ص ۱۲۰؛ حسین بن عبدالصمد عاملی، العقد الحسيني، ص ۴۲؛ محمد بن حسین عاملی، النحل المتین، ص ۱۵۴؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۱۶).

۲. عن ابي اسحاق عن الحارث عن علي عليه السلام قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله يأتينا كل غداة فيقول: الصلاة رحمكم الله الصلاة، انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت و يطهركم تطهيرا (محمد بن محمد مفید، الامالی، ص ۳۱۸؛ محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۸۹؛ عبیدالله بن احمد حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۹۸؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۰۸. بنا بر روایت انس بن مالک این کار تا شش ماه، و بنا به روایت ابن عباس تا هفت ماه، و بنا بر روایتی که بنهانی و دیگران نقل کرده اند تا هشت ماه طول کشید. در این باره، ر.ك: عبدالحسین شرف الدین، الفصول المهمة، ص ۲۰۹).

۳. عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من أسبغ وضوءه و أحسن صلوته و أدى زكاة ماله و ملك غضبه و سجن لسانه و بذل معروفه و أدى النصيحة لأهل بيته، فقد استكمل حقائق الايمان، و أبواب الجنة مفتحة له (احمد بن محمد اشعري، كتاب النوادر، ص ۹۱).

۴. عن علي عليه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: لا ايمان لمن لا امانة له، و لا دين لمن لا عهد له، و لا صلاة لمن لا يقيم (یتم) ركوعها و لا سجودها (همان).

نبرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود را همواره در محضر پروردگارش می‌دید و این احساس حضور دایم به هیچ وجه به یک عبد اجازه نمی‌دهد که در برهه‌های مختلف زندگی به کسی جز او بسندیشد. بنابر توصیف امیرالمؤمنین علیه السلام از حالات مختلف پیامبر صلی الله علیه و آله، آن حضرت همواره چه به وقت جلوس و چه هنگام قیام، خدا را یاد می‌کرد.^۱ همچنین در وصف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گفته‌اند که ایشان بسیار ذکر الهی داشت و از لغو پرهیز کرده، نماز را طول می‌داد.^۲

بنابر روایتی از امام صادق علیه السلام هنگامی که از جانب خداوند، سرزمین مکه، مملو از طلا، بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه شد، ایشان عرض کرد: خداوندا من [ترجیح می‌دهم] روزی سیر و روز دیگر گرسنه باشم، و هنگام سیری حمد و شکر تو گویم، و هنگام گرسنگی تو را بخوانم و ذکر تو گویم.^۳

بنابر روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در هر روز ۳۶۰ بار حمد و ثنای الهی را بر زبان جاری کرده، می‌گفت: «حمد بسیار گویم خدای عالمیان را در هر حال»،^۴ و بنابر نقلی دیگر، آن حضرت در هر صبح و شام به این تعداد حمد الهی می‌گفت.^۵ لحظات بین الطلوعین نیز برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از بهترین زمان‌های ذکر الهی بود، و امیر مؤمنان علیه السلام در این لحظات از جانب ایشان مأمور می‌شد

۱. کان صلی الله علیه و آله لا یجلس و لا یقوم الا علی ذکر الله... (محمد بن علی ابن بابویه قمی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۸۴؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۱۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۲؛ محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۲۴؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۱۵۸).
۲. عن یحیی بن عقیل قال: سمعت عبدالله بن ابی و امی یقول: کان رسول الله صلی الله علیه و آله یكثر الذکر و یقل اللغو و یطیل الصلوة... (احمد بن شعیب نسائی، سنن النسائی، ج ۱، ص ۵۳۱).
۳. عن عبدالرحمن الانصاری عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: عرضت علی بطحاء مکه ذهابا، فقلت: یا رب لا، ولكن أشبع يوماً و أجوع يوماً، فاذا شبعت حمدتک و شکرته، و اذا جعت دعوتک و ذکرته (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۳۱، ح ۱۰۲؛ محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۶۹۳؛ و به طریقی دیگر در: احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۲۵۴؛ محمد بن عیسی ترمذی، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۶).
۴. عن ابی الحسن الانباری عن ابی عبدالله علیه السلام قال: کان رسول الله صلی الله علیه و آله یحمد الله فی کل یوم ثلاثمائة مرة و ستین مرة عدد عروق الجسد، یقول: الحمد لله رب العالمین کثیراً علی کل حال (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۰۳، ح ۳؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۳۰۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۵۷ و ج ۵۸، ص ۳۱۶ و ج ۸۴، ص ۱۱).
۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۰۳، ح ۴.

تا رو به مردم نشسته، پاسخگوی آنان باشد، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود رو به قبله ذکر می گفت.^۱

افزون بر حالات عادی، آن حضرت هنگام نماز، خود را خوشبو می ساخت. ایشان مشکدانی داشت که پس از وضو، با دستان مرطوب آن را در دست می گرفت، و هنگامی که برای نماز [جماعت] خارج می شد مردم از بوی خوش آن متوجه حضور پیامبر صلی الله علیه و آله می شدند.^۲

ایشان به محض فرارسیدن وقت نماز، برای اقامه نماز،^۳ به جماعت،^۴ و آن هم در مسجد آماده می شدند. آن حضرت، آبادسازی مساجد را از نشانه های مروّت می دانست^۵ و روشن است که اقامه جماعت و نماز در مسجد از بهترین مصادیق آبادسازی و عمران مساجد به شمار می آید.

حضرت رسول صلی الله علیه و آله به مستحبات و نیز ترک مکروهات نماز نیز اهتمام داشت. محض نمونه، هنگام نماز عصای مخصوص خویش را در برابر خود می نهاد تا میان

۱. سید ابن طاووس، الاقبال بالاعمال الحسنة، ج ۲، ص ۳۸.

۲. عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله عليه السلام قال: كانت لرسول الله صلی الله علیه و آله، ممسكة إذا هو ترضاً أخذها بيده وهي رطبة، فكان إذا فریح عرفوا انه رسول الله صلی الله علیه و آله برائحه (محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ۶، ص ۵۱۵، ح ۳؛ محمد باقر مجلسي، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۹۰؛ محمد بن حسن الحر العاملي، وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۱۰۷۸).

۳. پیش از این به سخن حضرت به وقت نماز خطاب به بلال اشاره شد که می فرمود: أرحنا يا بلال. در نقل طبری از ابن اسحاق نیز درباره دوره حضور حضرت در مکه آمده است: «إن رسول الله كان إذا حضرت الصلاة خرج الى شعاب مكة و خرج معه علي بن ابي طالب عليه السلام... (محمد بن جرير طبری، تاریخ طبری، ج ۲، ص ۵۸).

۴. روایات متعددی حکایت از آن دارند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نماز جماعت در حضر یا سفر اهتمام داشت و حتی در روزهای اول دعوت که جز امیرالمؤمنین عليه السلام و خدیجه عليها السلام کسی ایمان نیاورده بود، آن حضرت در کنار کعبه به همراهی آن دو، نماز جماعت اقامه می کرد. در این باره، ر.ک: روایت عقیف کندی در: احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۲۰۹؛ محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۸، ص ۱۷؛ محمد بن سلیمان کوفی، مناقب امیرالمؤمنین عليه السلام، ج ۱، ص ۲۶۱؛ احمد بن عبدالله طبری، ذخائر العقبی، ص ۵۹.

۵. عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليهم السلام: قال رسول الله صلی الله علیه و آله ستة من المروءة ثلاثة منها في الحضر وثلاثة منها في السفر فاما التي في الحضر فتلاوة كتاب الله عز وجل و عمارة مساجد الله و اتخاذ الاخوان في الله. و اما التي في السفر فبذل الزاد و حسن الخلق و المزاح في غير المعاصي (محمد بن علي ابن بابويه قمی، عیون اخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۳۰، ح ۱۳؛ محمد باقر مجلسي، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۵ و ج ۷۳، ص ۳۱۱ و ج ۸۱، ص ۱ و ج ۸۹، ص ۱۹۶).

وی و کسانی که از برابری عبور می‌کنند، حایل باشد.^۱ گاه نیز برای این منظور از چیزهای دیگری استفاده می‌کرد.^۲

نمازهای عاشقانه آن حضرت، چون برخاسته از جذبات ربانی و محبتی از جنس وله و شیدایی بود، احساس خستگی و اکراه در ایشان، راه نداشت، و بدین سبب، نمازهایش - جز آنجا که به خاطر رعایت حال اضعف‌المؤمنین کوتاه می‌خواند -^۳ طول می‌کشید.^۴ البته وضعیت نمازهای جماعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکسان نبود و به اعتبار میزان تحمل مأمومان، کوتاه‌تر یا طولانی‌تر می‌شد.^۵ خود آن حضرت در این باره می‌فرمود: «گاهی قصد دارم نماز را طولانی سازم، اما چون صدای گریهٔ کودکی را می‌شنوم به دلیل میزان اشتیاق مادر به کودک (پس از گریهٔ او) نماز را کوتاه می‌کنم».^۶

نمازهای آن حضرت همواره با سوز و گداز و گریهٔ شدید ناشی از خوف و خشوع و خشیت الهی آمیخته بود. پیش از این، توصیفی از امیرالمؤمنین علیه السلام دربارهٔ حال پیامبر صلی الله علیه و آله به هنگام نماز گذشت.^۷

۱. عن معاوية بن وهب عن ابي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله يجعل العنزة بين يديه اذا صلى (محمد بن يعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۱).
۲. ر.ک: الکافی، ج ۳، ص ۲۹۶، ح ۲؛ محمد بن حسن طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۴۰۶، ح ۳.
۳. عن ابي واقد الليثي صاحب النبي صلی الله علیه و آله قال: ان رسول الله صلی الله علیه و آله كان اخف الناس صلاة على الناس و ادمه على نفسه صلی الله علیه و آله (احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۲۱۹؛ احمد بن علی الموصلی، مسند ابي يعلى، ج ۳، ص ۳۵)؛ و عن انس: «ان النبي صلی الله علیه و آله كان اخف الناس صلاة في تمام» (احمد بن شعيب نسائي، سنن النسائي، ج ۲، ص ۹۵؛ حسن بن فضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۳ و ۲۴؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۸) و عن ابي حكي المؤذن: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله كان اخف الناس صلاة للناس و اطول الناس صلاة لنفسه» (سليمان بن احمد طبرانی، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۲۵۱).
۴. عن عبدالله بن ابي اوفى قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله يكثر الذكر و يقل اللغو و يطيل الصلاة و يقصر الخطبة و لا يأنف أن يمشی مع الأرملة و المسكين فيقضي له الحاجة (احمد بن شعيب نسائي، سنن النسائي، ج ۳، ص ۱۱۰؛ احمد بن علی بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۸، ص ۵).
۵. ر.ک: محمد بن اسماعیل بخاری، شرح صحیح مسلم، النووی، ج ۴، ص ۱۷۴.
۶. عن انس بن مالك قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «إني لأدخل في الصلاة و إنني أريد إطالتها. فأسمع بكاء الصبي فأتجوّز في صلاتي مما أعلم لوجد أتمه ببيائه» (محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۷۴؛ مسلم بن حجاج نيسابوري، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۴۴؛ محمد بن يزيد قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۱۶).
۷. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۲۶؛ بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۰ و ج ۱۷، ص ۲۵۷ و ۲۸۷ و ج ۶۷، ص ۳۸۱ و ج ۸۱، ص ۲۴۸.

نماز محبوب‌ترین عبادات برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود؛ اما در نمازهای شبانه‌روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خلوت‌گزینی در دل شب و تهجد جذبه و لذت دیگری برای ایشان داشت. خداوند قیام در شب را بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب ساخته بود. در سوره مزمل، خداوند به حضرت می‌فرماید: «ای جامه به خویشتن فروپيچیده، شب را به پا خیز مگر اندکی، نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه، یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان».^۱ چنان که در سوره اسراء نیز همین فرمان به آن حضرت ابلاغ شده است: «و پاسی از شب را زنده بدار، تا برای تو [به منزله] نافله‌ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند».^۲

نزول این آیات که براساس آنها بیداری در پاسی از شب بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله واجب شد، موجب آن گشت که آن حضرت و جمعی از اصحاب خاص ایشان پاسی از شب را به عبادت برخیزند، تا آنجا که گاه برای اطمینان یافتن از اینکه نصف یا کمی بیش از نصف شب را بیدار مانده‌اند، تمام شب را به عبادت بر می‌خواستند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عمل به این فرمان آن قدر اهتمام داشت که قدم‌های مبارکش متورم می‌شد،^۳ و برای تخفیف درد، گاه یک پا را از زمین بلند می‌کرد و پای دیگر بر زمین می‌نهاد،^۴ و از همین روی، آیات

۱. يَا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقُضْ مِنْهُ قَلِيلًا * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَ رَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا (مزمل، ۱ - ۴).

۲. وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّخْمُودًا (اسراء، ۷۹).

۳. عن عمرو بن عبد الله بن هند عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال علي بن الحسين عليه السلام: ان جدی رسول الله ۶ قد غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر، فلم يدع الاجتهاد له و تعبد بأبي هو و أمی حتى انتفخ الساق، و ورم القدم، و قيل له: أتفعل هذا و قد غفر الله لك ما تقدم من ذنبك و ما تأخر؟ قال: أفلا أكون عبداً شكوراً؟ (محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۶۳۷؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۸۸ و ج ۴۶، ص ۷۹؛ و مشابه مضمون فوق در روایت مغیره بن شعبه در الشمائل المحمدية، ص ۲۲۱ - ۲۲۲ و صحیح البخاری، ج ۶، ص ۴۴).

۴. عن ابی بصیر عن ابی جعفر عليه السلام قال: کان رسول الله صلی الله علیه و آله عند عایشه لیلتها، فقالت: یا رسول الله لم تتعب نفسك و قد غفر الله لك ما تقدم من ذنبك و ما تأخر؟ فقال: یا عایشة أفلا أكون عبداً شكوراً؟ قال: و کان رسول الله

نخستین سوره طه بر ایشان نازل شد تا تکلف و مشقت را در عبادت از آن حضرت بردارد.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به یک یهودی که می‌کوشید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در مقایسه با پیامبران پیشین در مقامی پایین‌تر قرار دهد، بر تلاش‌های مدام پیامبر صلی الله علیه و آله در عبادات شبانه تأکید فرمود.^۲ این مداومت چنان بود که حضور در صحنه‌های بحرانی‌ای همچون جنگ بدر نیز آن حضرت را از توجه شبانه به عالم بالا باز نمی‌داشت و بلکه اهتمام حضرت را بیشتر می‌ساخت؛ بنا به نقل امیرالمؤمنین علیه السلام در شب بدر، در حالی که اصحاب هر یک به نوبه خود استراحت کردند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا صبح زیر درختی مشغول نماز و دعا بود.^۳

ب) عبادات سنگین و طولانی

درباره سنگینی عبادات شبانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله گزارش‌های شگفت‌انگیزی در دست است. محض نمونه، حذیفه بن یمان در روایتی می‌گوید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از نمازهای شبانه‌اش، سوره‌های بقره، نساء و آل عمران را در حال قیام تلاوت کرد و هرگاه به آیه تسبیح می‌رسد، خداوند را تسبیح می‌گفت، و هنگامی که به آیه مشتمل

صلی الله علیه و آله یقوم علی اطراف أصابع رجله فأنزل الله سبحانه: طه ما انزلنا عليك القرآن لتشتقى (الكافی، ج ۲، ص ۹۵؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۶۳).

۱. عن عبدالله بن بكير قال: سألت ابا عبد الله علیه السلام عن الصلاة قاعداً أو يتوكأ على عصي، أو على حائط، فقال: لا، ما شأن ابيك و شأن هذا؟ ما بلغ أبوك هذا بعد؛ ان رسول الله صلی الله علیه و آله بعد ما عظم - او بعد ما ثقل - كان يصلي و هو قائم، و رفع إحدى رجله حتى أنزل الله تبارك و تعالی: طه ما انزلنا عليك القرآن لتشتقى، فوضعها (عبدالله بن جعفر حمیری بغدادی، قرب الاسناد، ص ۱۷۱).

۲. قال له اليهودی: فان هذا داود علیه السلام بكى على خطيئته حتى سارت الجبال معه لخوفه. قال له على علیه السلام: لقد كان كذلك و محمد صلی الله علیه و آله أعطى ما هو أفضل من هذا... و لقد قام صلی الله علیه و آله عشرين على اطراف أصابعه حتى توڑمت قدماه و اصفر وجهه يقوم الليل اجمع حتى عوتب في ذلك فقال الله عز و جل: طه ما انزلنا عليك القرآن لتشتقى، بل لتسعد به، و لقد كان يبكي حتى يغشى عليه... (احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۲۶؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۴۰ و ج ۱۷، ص ۲۵۷، ۲۸۷ و ج ۶۸، ص ۲۶).

۳. عن حارث بن مضرب قال: سمعت علی بن ابی طالب علیه السلام يقول: لقد حضرنا بدرا و ما فینا فارس غیر المقداد بن الأسود، و لقد رأیتنا ليلة بدر و ما فینا الامن نام، غیر رسول الله صلی الله علیه و آله فان كان منتصباً فی اصل شجرة يصلي و يدعو حتى الصباح (محمد بن محمد مفید، الارشاد، ج ۱، ص ۷۳؛ بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۲۷۹).

بر سؤال می‌رسید، سؤال می‌کرد، و وقتی به آیه تَعَوَّذُ می‌رسید، به خدا پناه می‌برد، سپس رکوع کرده، در رکوع سبحان ربی العظیم و بحمده را تکرار می‌کرد، در حدی که رکوعش نیز همچون قیامش طولانی شد؛ سپس برخاست و گفت: سَمِعَ اللهُ لِمَنْ حَمَدَهُ، و قیامی طولانی کرد، و سپس به سجده رفت و گفت: سبحان ربی الاعلی و بحمده، و سجودش نیز همچون قیامش طولانی بود.^۱ قیام پیامبر اکرم ﷺ برای عبادت شبانه به قدری طولانی بود که گاه برخی از همراهان، طاقت از کف داده، توان همراهی با آن حضرت را از دست می‌دادند. به جز روایت یاد شده از حدیقه، روایت عبدالله بن مسعود نیز شاهی دیگر بر این مدعاست.^۲

(۹۷)

در کنار این عبادات سنگین، پیامبر اکرم ﷺ برای تحمل پذیر کردن سنگینی عبادات تدابیری به کار می‌برد. برای مثال، در برخی روایات آمده است که آن حضرت شب‌ها پس از برخاستن، نوافل خود را ابتدا با دو رکعت نافله سبک آغاز می‌کرد و سپس به نوافل سنگین‌تر می‌پرداخت؛^۳ و نوافل شبانه آن حضرت، ترکیبی از نوافل سنگین و سبک بود.^۴ یا به هنگام خستگی، گاه

۱. عن حدیفة قال: «صلیت مع النبی ﷺ ذات لیلۃ فافتتح البقرة فقلت یرکع عندالمائة ثم مضی فقلت یصلی بها فی رکعة فمضی فقلت یرکع بها ثم افتتح النساء فقرءها ثم افتتح آل عمران فقرءها یقرء مترسلاً إذا مرّ بأیة فیها تسبیح سبح و إذا مرّ بسؤال سأل و إذا مرّ بتعوذ تعوذ ثم رکع فجعل یقول: سبحان ربی العظیم فکان رکوعه نحواً من قیامه ثم قال سمع الله لمن حمده ثم قال طویلاً قریباً مما رکع ثم سجد فقال سبحان ربی الاعلی فکان سجوده قریباً من قیامه» (مسلم بن حجاج نیسابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۶؛ احمد بن شعیب نسائی، سنن نسائی، ج ۱، ص ۴۳۳؛ محمد بن عیسی ترمذی، الشماثل المحمدیة، ص ۲۲۹؛ احمد بن حسین بیهقی، سنن بیهقی، ج ۲، ص ۳۰۹).

۲. عن ابی وائل عن عبدالله بن مسعود، قال: «صلیت مع النبی ﷺ لیلۃ فلم یزل قائماً حتی هممت بأمر سوء. قلنا: و ما هممت؟ قال: هممت أن أقعد و أذر النبی ﷺ» (محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۴۵؛ مسلم بن حجاج نیسابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۶؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۱، ص ۳۸۵ و ۳۹۶ و ۴۱۵ و ۴۴۰).

۳. عن ابی هریرة عن النبی ﷺ قال: اذا قام أحدکم من اللیل فلیفتتح صلاته برکعتین خفیفتین (احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۳۹۹؛ مسلم بن حجاج نیسابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۴؛ احمد بن حسین بیهقی، سنن بیهقی، ج ۳، ص ۶؛ محمد بن عیسی ترمذی، الشماثل المحمدیة، ص ۲۲۶)؛ عن سعد بن هشام عن عائشة قالت: «کان رسول الله ﷺ اذا قام من اللیل یصلی افتتح صلاته برکعتین خفیفتین» (مسند احمد، ج ۶، ص ۳۰).

۴. عن زید بن خالد الجهنی انه قال: «لارمقن صلاة رسول الله ﷺ فتوسدت عتبه أو فسطاطه، فصلی

بعضی نوافل را نشسته به جای می آورد^۱ و گاه پیش از اذان صبح برای رفع خستگی و نیز آمادگی جهت عبادات صبحگاهی و بین الطلوعین، کمی استراحت می کرد بدون آنکه به خواب رود.^۲

ج) فراهم سازی لوازم و مقدمات

از نکات مهم سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در عبادات شبانه، توجه آن حضرت به اسباب و مقدمات لازم برای بیداری و تهجد در دل شب بود. محض نمونه، اهتمام به خوابیدن در ابتدای شب برای رفع خستگی و فراهم آمدن توان لازم برای قیام در دل شب، از نکاتی

(۹۸)

رسول الله صلی الله علیه و آله رکعتین خفیفین ثم صلی رکعتین طویلین طویلین ثم صلی رکعتین و هما دون اللتین قبلهما ثم صلی رکعتین و هما دون اللتین قبلهما ثم صلی رکعتین و هما دون اللتین قبلهما ثم اوتر، فذلک ثلاث عشرة رکعة» (صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۸۳؛ محمد بن یزید قزوینی، سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۳۳؛ سلیمان بن أشعث سجستانی، سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۳۰۷؛ احمد بن شعیب نسائی، سنن نسائی، ج ۱، ص ۱۶۰؛ محمد بن عیسی ترمذی، الشمائل المحمدیه، ص ۲۲۶).

۱. عن عائشة: «ان النبی صلی الله علیه و آله کان یصلی جالسا ففقره و هو جالس فاذا بقی من قرائته قدر ما یكون ثلاثین أو اربعین آیه قام فقراء و هو قائم ثم رکع و سجد ثم صنع فی الرکعة الثانیة مثل ذلک» (مالک بن انس، الموطاء، ج ۱، ص ۱۳۸؛ محمد بن عیسی ترمذی، الشمائل المحمدیه، ص ۲۳۱)؛ عن عبدالله بن شقیق قال: «سألت عائشة عن صلاة رسول الله صلی الله علیه و آله فاذا قرء و هو قائم رکع و سجد و هو قائم، و اذا قرء و هو جالس، رکع و سجد و هو جالس» (احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۶، ص ۳۰؛ مسلم بن حجاج نيسابوری، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۳؛ عبدالرزاق صنعانی، المصنف، ج ۲، ص ۴۶۶؛ محمد بن عیسی ترمذی، الشمائل المحمدیه، ص ۲۳۲)؛ در نقل دیگر مسلم در صحیح خود، ج ۲، ص ۱۶۳ از این روایت چنین تعبیری آمده: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله یکثر الصلاة قائما و قاعدا فاذا افتتح الصلاة قائما رکع قائما و اذا افتتح الصلاة قاعدا رکع قاعدا» بنابراین، رکوع و سجود پیامبر صلی الله علیه و آله در حال قیام یا قعود، بسته به آن بود که شروع نماز چگونه بوده است: در حال قیام یا قعود.

۲. در روایتی از ابن عباس - که پیش تر نقل شد - آمده: «... ثم أوتر ثم اضطجع حتى جاءه المؤذن فقام فصلی رکعتین خفیفین ثم خرج فصلی الصبح» (صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۲ و ج ۵، ص ۱۷۶؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۳۴؛ سلیمان بن أشعث سجستانی، سنن ابی داوود، ج ۱، ص ۳۰۷؛ محمد بن عیسی ترمذی، الشمائل المحمدیه، ص ۲۲۵. در روایتی نیز از عایشه نقل شده است، قلت: یا رسول الله صلی الله علیه و آله أنتم قبل أن توتر؟ فقال: یا عایشه، ان عینی تنامان و لا ینام قلبی. نیز از عایشه نقل شده است: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان یصلی من اللیل احدی عشر رکعة یوتر منها بواحدة فاذا فرغ منها اضطجع علی شقة الایمن» (الشمائل المحمدیه، ص ۲۲۷؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۶۵)؛ در روایت دیگری از عایشه، از استراحت بین نافله صبح و نماز صبح به حالت خوابیده بر پهلو راست سخن به میان آمده است. رک: صحیح البخاری، ج ۱، ص ۱۵۴؛ مسند احمد، ج ۶، ص ۲۵۴).

است که در برخی روایات بدان اشارت رفته است.^۱ نیز پرهیز از بستر کاملاً نرم که با خوابیدن در آن رغبت به خواب بیشتر می شود و ترک بستر مشکل می گردد، از دیگر نکات قابل استفاده از سیره نبوی ﷺ است. بنا بر روایت امیرالمؤمنین علیه السلام فرش پیامبر ﷺ عبايي بیش نبود و جای خواب آن حضرت، پوستی بود که درون آن از الیاف خرما پر شده بود. شبی رختخواب آن حضرت را دو لا انداختند تا نرم تر شود؛ صبح آن شب، پیامبر اکرم ﷺ فرمود: جای خوابم شب گذشته مرا از نماز [در حد مطلوب] باز داشت؛ و به این ترتیب، جای خواب آن حضرت به صورت اول بازگشت.^۲

روایت معاویه بن وهب نیز از قول امام صادق علیه السلام می گوید پیامبر اکرم ﷺ شبها پیش از خواب، مقدمات نهجد، مانند آب وضو و مسواک را کنار محل خواب خود می نهاد و پس از برخاستن، ابتدا نظر به آسمان می کرد و آیات آخر سوره آل عمران را تلاوت می فرمود؛ سپس مسواک می زد و در پی آن وضو ساخته، به نماز می ایستاد.^۳ در روایت حلبی از امام صادق علیه السلام نیز همین نکته مطرح شده است.^۴

۱. عن عائشه: «... كان ﷺ ينام اول الليل ويحيى آخره...» (مسند احمد، ج ۶، ص ۱۰۲ و ۱۰۹ و ۱۷۶؛ صحيح مسلم، ج ۲، ص ۱۶۷؛ الشرائع المحمدية، ص ۲۲۳).

۲. عن علي عليه السلام: كان فراش رسول الله ﷺ عباة و كانت مرفقة آدم، حشوها ليف، فثبتت له ذات ليلة، فلما اصبح قال: لقد منعتي الفراش الليلة الصلاة فأمر عليه السلام أن يجعل بطاق واحد (محمد بن علي ابن بابويه قمی، الامالی، ص ۵۵۲؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۷). از آنجا که نماز شب بر آن حضرت واجب بود، نمی توان روایت را بر اطلاق آن حمل کرد؛ چرا که لازمه آن ترک واجب از سوی آن حضرت است که با عصمت ایشان سازگار نیست. بنابراین بایستی روایت را حمل بر این معنا کرد که تغییر چگونگی بستر، آن حضرت را از نماز شب در حد مطلوب ایشان - همچون شب های دیگر - باز داشته است.

۳. عن معاوية بن وهب قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: و ذكر صلاة النبي ﷺ قال: كان يؤتى بطهور فيتخمر عند رأسه و يوضع سواكه تحت فراشه ثم ينام ماشاء الله فاذا استيقظ جلس ثم قلب بصره في السماء ثم تلا الآيات من آل عمران (ان في خلق السماوات والارض واختلاف الليل والنهار...) ثم يستنّ و يتطهر ثم يقوم الى المسجد فركع اربع ركعات على قدر قرائته ركوعه، و سجوده على قدر ركوعه، يركع حتى يقال حتى متى يرفع رأسه و يسجد حتى يقال حتى متى يرفع رأسه، ثم يعود الى فراشه فينام ما شاء الله، ثم يستيقظ فيجلس فيتلوا الآيات من آل عمران و يقلب بصره في السماء ثم يستنّ و يتطهر و يقوم الى المسجد فيصلي اربع ركعات كما ركع قبل ذلك، ثم يعود الى فراشه فينام ما شاء الله، ثم يستيقظ فيجلس فيتلوا الآيات من آل عمران و يقلب بصره في السماء ثم يستنّ و يتطهر و يقوم الى المسجد فيوتر و يصلي الركعتين ثم يخرج الى الصلاة (محمد بن حسن طوسي، تهذيب الاحكام، ج ۲، ص ۳۳۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۷۶ و ج ۸۴، ص ۱۱۶).

۴. عن الحلبي عن ابي عبد الله عليه السلام قال: ان رسول الله ﷺ كان اذا صلى العشاء الآخرة أمر بوضوئه و سواكه يوضع

متفاوت بوده و برخی شب‌ها پس از ثلث و برخی شب‌ها پس از نصف بر می‌خاسته‌اند؛ چنان که از آیات سوره مزمل نیز همین امر بر می‌آید.^۱

گفتنی است بنابر پاره‌ای روایات، برترین اوقات برای اقامه نوافل شب، بخش انتهایی شب است؛^۲ اما - همان گونه که برخی محققان می‌گویند -^۳ این برای کسی است که بخواهد تمام رکعات نافله شب را با هم اقامه کند، و در این صورت مناسب است به جای ابتدا یا نیمه شب، انتهای آن را بیدار شود؛^۴ ولی در صورتی که فرد بخواهد رکعات را در طول شب به جای آورد، بهتر است به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تأسی کرده، پس از ثلث یا نصف شب برخیزد و در سه نوبت، نوافل شب را اقامه کند؛ چنان که در روایت حلبی نیز امام صادق علیه السلام دیگران را در این سیره، به تأسی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فراخوانده است.

(و نظر به آسمان و قرائت آیات آخر سوره آل عمران

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از بیداری در هر نوبت، بعد از آنکه به آسمان نظر می‌کردند، آیات آخر سوره آل عمران (۱۹۰ تا ۱۹۴) را تلاوت می‌فرمودند که با «ان فی خلق السماوات و الارض...» آغاز می‌شود و تا پنج آیه پس از آن ادامه می‌یابد و به «انک لا تخلف الميعاد» ختم می‌شود.^۵

(ز) شمار رکعات نافله شب

بنابر دو روایت یاد شده، پیامبر صلی الله علیه و آله نوافل شب را در دو نوبت چهار رکعتی و سه

۱. یا أَيُّهَا الْمَرْمُلُ * قَمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلاً * نِصْفَهُ أَوْ انْقُضْ مِنْهُ قَلِيلاً * أَوْ زِدْ عَلَيْهِ (المزمل، ۱ - ۳). ممکن است تغییر

زمان برخاستن بین نصف و ثلث ناشی از کوتاهی و بلندی شب‌ها در تابستان و زمستان بوده باشد.

۲. ر.ک: محمد بن علی ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۵۳ و ۴۸۲؛ محمد بن علی ابن

بابویه قمی، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۲۸؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۳۰.

۳. ر.ک: محمد باقر سبزواری، ذخیره المعاد، ج ۲، ص ۲۰۰.

۴. عن ابن بکیر قال: قال ابو عبد الله علیه السلام: ما کان یحمد الرجل أن یقوم من آخر اللیل فیصلی صلاته ضریبة واحدة ثم

ینام و یدهب (الکافی، ج ۳، ص ۴۴۷).

۵. هر چند در دو روایت یاد شده، شمار آیات از اواخر آل عمران مشخص نیست، در روایتی از امام

باقر علیه السلام توصیه به قرائت پنج آیه ۱۹۰ تا ۱۹۴ شده است. در برخی از منابع غیر شیعی نیز به نقل از ابن

عباس، ده آیه آخر از سوره آل عمران تعیین شده است (الشمائل المحمدية، ص ۲۲۵).

رکعت (شفع و وتر) و سپس دو رکعت نافله صبح به جای می آورده اند. بنابراین شمار رکعات نافله شب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یازده رکعت و به همراه دو رکعت نافله صبح، سیزده رکعت بوده است. جز دو روایت یاد شده، روایات دیگری از معصومان علیهم السلام در دست است که در آنها شمار نوافل شب پیامبر صلی الله علیه و آله یازده رکعت معین شده است.^۱ بدین ترتیب، با توجه به تقدم کلام معصومان علیهم السلام بر کلام دیگران - هم به لحاظ عصمت آنان و هم آگاه تر بودن اهل یک خانه به آنچه در آن می گذرد - نباید به اختلافات دیگران درباره شمار رکعات نافله شب پیامبر صلی الله علیه و آله اعتنایی داشت.^۲

۳-۳. قرائت قرآن و مناجات

به جز نوافل شبانه، قرائت قرآن و دعا و مناجات از دیگر برنامه های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - به ویژه در دل شب - بود. قرائت قرآن، در حین ادای نمازهای واجب و نافله و در غیر حال نماز صورت می گرفت. اهتمام آن حضرت به قرائت قرآن - به ویژه در دل شب - به قدری بود که حتی حالت بیماری و تب نیز مانع آن نمی شد. بنا بر روایتی، هنگامی که یکی از اصحاب، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را سخت بیمار دید و جویای حال حضرت شد، آن حضرت پاسخ داد: «این بیماری مانع آن نشد که شب گذشته سی سوره را که سبع طوال نیز جزو آنها بود، قرائت کنم» و هنگامی که آن صحابی عرض کرد: این تلاش در عبادت برای چیست، در حالی که

۱. عن زرارة عن ابي جعفر عليه السلام قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله يصلي من الليل ثلاث عشرة ركعة، منها الوتر و ركعتا الفجر في السفر و الحضر (الكافي، ج ۳، ص ۴۴۶، ح ۱۴)؛... عن الحارث بن المغيرة النصري قال: سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول: ... و كان رسول الله صلی الله علیه و آله يصلي ثلاث عشرة ركعة من الليل (همان، ح ۱۵)؛... عن احمد بن محمد بن ابي نصر قال: قلت لابي الحسن عليه السلام: «ان اصحابنا يختلفون في صلاة التطوع، بعضهم يصلي اربعاً و اربعين، و بعضهم يصلي خمسين. فقال: أصلي واحدة و خمسين ركعة... و ثمان صلاة الليل و الوتر ثلاثاً و ركعتي الفجر... (همان، ج ۳، ص ۴۴۴، ح ۸).

۲. عن مسروق قال: سألت عائشة عن صلاة رسول الله صلی الله علیه و آله بالليل فقالت: «سبع و تسع و احدى عشرة سوى ركعتي الفجر» (صحيح البخاري، ج ۲، ص ۴۵)؛ قال ابو عيسى: «و اكثر ما روى عن النبي صلی الله علیه و آله في صلاة الليل ثلاث عشرة ركعة مع الوتر، و اقل ما وصف من صلاته من الليل تسع ركعات» (سنن الترمذي، ج ۱، ص ۲۷۶)؛ عن ام سلمة: «كان النبي صلی الله علیه و آله يوتر بثلاث عشرة، فلما كبر وضعف أوتر بسبع» (همان، ص ۲۸۵)؛ و قد روى عن النبي صلی الله علیه و آله الوتر بثلاث عشرة و احدى عشرة و تسع و سبع و خمس و ثلاث و واحدة (همان).

خداوند گناهان پیشین و پسین شما را آمرزیده است، حضرت پاسخ داد: «آیا نباید بنده شکرگزاری باشم؟»^۱

درباره چگونگی دعا و مناجات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نکات شگرفی به چشم می خورد. برای مثال، در روایتی از امام صادق علیه السلام گزارشی از یکی از دعاهای شبانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در دست است. بنابراین روایت، یک شب، هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله در حجره ام سلمه بود و نیمه شب از بستر برخاست، ام سلمه از سر کنجکاوی به جست و جو برآمد و حضرت را در گوشه ای از خانه در حالی یافت که ایستاده و با چشمان گریان این گونه باخدایش سخن می گوید:

اللهم لا تنزع منی صالح ما اعطيتنی أبدا، اللهم و لا तकلی الی نفسی طرفة عین أبدا، اللهم لا تشمت بی عدواً و لا حاسداً أبدا، اللهم لا تردنی فی سوء استنقذتني منه أبدا.^۲

۳-۴. روزه

جلوه دیگری از سیره عبادی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، که بسیار بدان اهتمام می ورزید روزه داری بود. آن حضرت در بیان شدت علاقه اش به روزه، آن را همچون نماز، نور چشم خویش معرفی فرمود.^۳ این عبادت به قدری نزد آن حضرت محبوب بود که دست کم سه روز از هر ماه را روزه می گرفتند. بنابر پاره ای روایات، برترین روزهای ماه برای ادای این سنت،

۱. عن بکر بن عبدالله [المزنی البصری]: «أن عمر بن الخطاب دخل علی النبی صلی الله علیه و آله و هو موقود أو قال محموم، فقال له عمر: یا رسول الله ما أشدّ وعکک أو حماک؟ قال: ما منعی ذلك ان قرأت اللیلة ثلاثین سورة فیهنّ السبع الطوال. فقال عمر: یا رسول الله، غفر الله لک ما تقدم من ذنبک و ما تأخر، و انت تجهد هذا الاجتهاد؟ فقال: یا عمر، أفلا أکون عبداً شکوراً؟» (محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۴۰۳ - ۴۰۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۲۲ و ج ۸۹، ص ۱۹۸؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۸۴۴).

۲. «خداوندا، آنچه از خیر و نیکی به من عطا کردی هرگز باز مستان؛ خداوندا، مرا به قدر چشم بر هم زدن به خود و امگزار؛ خداوندا، هرگز مرا مورد شماتت دشمن و حسود قرار مده؛ خداوندا، هرگز مرا به بدی و شری که از آن نجاتم داده ای باز مگردان» (علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۵؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۷ و ج ۹۲، ص ۳۵۸).

۳. و کان صلی الله علیه و آله یقول: جعل الله لذتی فی النساء و الطیب، و جعل قرّة عینی فی الصلاة و الصوم (طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۳۴؛ بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹).

پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط هر ماه است، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام بر روزه در این سه روز تأکید داشتند.^۱ در برخی روایات نیز از ایام البیض نام برده شده است.^۲ اما از روایات معصومان علیهم السلام و نیز گزارش‌های غیر شیعی چنین برمی آید که روزه سه روز در ماه در سیره نبوی صلی الله علیه و آله منحصر به روزهای یاد شده نبوده است. در برخی روایات از دوشنبه اول ماه و چهارشنبه وسط ماه و پنجشنبه آخر ماه سخن به میان آمده است. در روایت ابوبصیر، امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش وی در این باره، ضمن اشاره به دو مورد پیش گفته، در نهایت او را در انتخاب هر روز از ماه مخیر داشته‌اند.^۳ در برخی روایات غیر شیعی از پنجشنبه اول هر ماه و دو دوشنبه پس از آن،^۴ و نیز از دوشنبه و پنجشنبه در یک هفته و دوشنبه دیگر در هفته بعد،^۵ و نیز سه روز اول هر ماه و روزهای جمعه^۶ سخن رفته است. وجه جمع روایات یاد شده آن است که برترین روزها در ماه، پنجشنبه اول و آخر، و چهارشنبه وسط هر ماه، و نیز ایام البیض است، و سپس دوشنبه و پنجشنبه؛ و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسته به درجات برتری به این روزه‌ها اهتمام داشتند.

از روایتی که طی آن امیرالمؤمنین علیه السلام چگونگی روزه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را توصیف و گزارش کرده است، برمی آید که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در میزان و کمیت روزهایی که

۱. عن زرارة قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام: «بم جرت السنة من الصوم؟ فقال: ثلاثة ايام من كل شهر: الخميس فی العشر الاول، و الاربعاء فی العشر الاوسط، و الخميس فی العشر الآخر. قال: قلت: هذا جميع جرت به السنة فی الصوم؟ فقال: نعم (محمد بن علی ابن بابویه قمی، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۸۴).

۲. بنا به گفته صدوق، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزه پنجشنبه اول و آخر و نیز چهارشنبه وسط هر ماه را جایگزین روزه ایام البیض در هر ماه کرد.

۳. عن ابی بصیر قال: سألت ابا عبدالله علیه السلام عن صوم السنة فقال: صيام ثلاثة ايام من كل شهر، الخميس و الاربعاء و الخميس یذهبن ببلاهل القلب و وحر الصدر الخميس و الاربعاء و الخميس، و ان شاء الاثنین و الاربعاء و الخميس، و ان صام فی كل عشرة ايام یوما فان ذلك ثلاثون حسنة، و ان أحب ان یزید علی ذلك فلیزید (محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۳۰۳).

۴. عن الحر بن الصباح، قال: سمعت ابن عمر یقول: كان النبی صلی الله علیه و آله یصوم ثلاثة ايام من كل شهر، الخميس من اول الشهر و الاثنین الذی یلیه و الاثنین الذی یلیه (مسند احمد، ج ۲، ص ۹۰ - ۹۱).

۵. عن ام سلمة، قالت: «كان رسول الله صلی الله علیه و آله یصوم من كل شهر ثلاثة ايام، الاثنین و الخميس من هذه الجمعة و الاثنین من المقبلة» (احمد بن شعيب نسائی، سنن نسائی، ج ۲، ص ۱۴۲).

۶. عن عبدالله بن مسعود، قال: «كان رسول الله صلی الله علیه و آله یصوم ثلاثة ايام من غرة كل شهر و قل ما یفطر یوم الجمعة» (همان).

روزه دار بود، شیوة یکسانی نداشته است. بنابر این روایت، روش پیامبر اکرم ﷺ ابتدا آن بود که به طور دایم، تمام روزها را روزه بود. سپس - همچون حضرت داوود علیہ السلام - یک روز در میان روزه می گرفت. سپس روزهای دوشنبه و پنجشنبه را روزه می گرفت و در نهایت به سه روز روزه در ایام البیض (۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه قمری) تا آخر عمر بسنده کرد.^۱ محتمل ترین وجه برای این تغییر روش آن است که چون پیامبر اسوه مردم اند، مسلمانان در تأسی و پیروی از ایشان تنها با رفتارهای دشوار مواجه نباشند.

(۱۰۵)

آنچه گفته آمد درباره ایام و زمان های عادی بود، اما گاه برخی ویژگی های زمانی اقتضا می کرد که آن حضرت به عبادت در ایامی خاص عنایت ویژه ای داشته باشد. برای مثال، ماه شعبان - به لحاظ جنبه مقدمی اش برای ماه رمضان - در شب زنده داری^۲ و روزه مورد عنایت ویژه پیامبر اکرم ﷺ بود؛^۳ به گونه ای که بنابر پاره ای روایات، آن حضرت اکثر^۴ و گاه تمام^۵ این ماه را روزه دار بود؛^۶ و خود درباره علت اهتمام به

۱. عن جعفر بن محمد طایف، عن ابيه عليه السلام: أن علياً أمير المؤمنين عليه السلام كان ينعث صيام رسول الله ﷺ قال: صام رسول الله ﷺ الدهر كله ما شاء الله، ثم ترك ذلك وصام صيام أخيه داوود عليه السلام، يوماً لله و يوماً له. ثم ترك ذلك فصام الاثنين والخميس ماشاء الله. ثم ترك ذلك وصام البیض، ثلاثة أيام من كل شهر، فلم يزل ذلك صيامه حتى قبضه الله إليه (عبدالله بن جعفر حمیری بغدادی، قرب الاسناد، ص ۸۹ - ۹۰).

۲. در دعای رسیده از امام سجاده علی علیه السلام به هنگام زوال روزهای ماه شعبان می خوانیم: ... الذي كان رسول الله ﷺ يدأب في صيامه و قيامه في لياليه و ايامه... (محمد بن حسن طوسی، مصباح المتعجد، ص ۸۲۹).

۳. قال الباقر عليه السلام: ان صوم شعبان صوم النبيين و صوم اتباع النبيين فمن صام شعبان فقد أدركته دعوة رسول الله ﷺ لقوله عليه السلام: رحم الله من اعانني على شهري (محمد بن محمد مفید، المقنعة، ص ۳۷۳)... عن فضیل بن یسار قال: «سمعت ابا عبد الله عليه السلام يقول لبعض اصحاب قيس الماصر: ... و سن رسول الله ﷺ صوم شعبان و ثلاث ايام في كل شهر...» (الكافي، ج ۱، ص ۲۶۶، ح ۴)؛... عن الحلبي قال: «سألت ابا عبد الله عليه السلام: هل صام أحد من آبائك شعبان قط؟ قال: صامه خير آبائي رسول الله ﷺ» (الكافي، ج ۴، ص ۹۱، ح ۶).

۴. عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله عليه السلام: ان رسول الله ﷺ كان يكثر الصوم في شعبان يقول: ان اهل الكتاب تنحسوا به، فخالفهم (احمد بن محمد بن عيسى اشعري، النوادر، ص ۱۹). عن سليمان المروزي عن الرضا علي بن موسى عليه السلام انه قال: كان رسول الله ﷺ يكثر الصيام في شعبان، ولقد كان نساؤه اذا كان عليهم صوم أخرنه الى شعبان مخافة أن يمنعن رسول الله ﷺ حاجته... (محمد بن علي ابن بابويه قمی، فضائل الاشهر الثلاثة، ص ۵۵).

۵. عن ام سلمة عن ابي سلمة: «ان النبي ﷺ لم يكن يصوم من السنة شهراً تاماً الا شعبان يصل به رمضان» (ثواب الاعمال، ص ۶۱)؛... عن ابي سلمة ان عائشة... حدثته قالت: «لم يكن النبي ﷺ يصوم شهراً اكثر من شعبان فانه كان يصوم شعبان كله...» (صحيح البخاري، ج ۲، ص ۲۴۴).

عبادت در این ماه می فرمود: زیرا مردم غالباً به خاطر توجه به رجب و رمضان از ماه شعبان که بین آن دو است، غافل اند.^۱

نخستین چیزی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همواره روزه خود را با آن افطار می کرد در فصل رطب، خرماي تازه، و در غیر آن فصل خرماي خشک (تمر) بود.^۲

روزه آن حضرت، روزه ای بود با رعایت تمام شرایط یک روزه دار واقعی، و بنابراین اعضا و جوارح آن حضرت نیز روزه بودند.^۳

۳-۵. اعتکاف

از دیگر جلوه های زیبای عبادت خداوند اعتکاف است که زمینه ساز خوبی برای توجه و حضور دل و تمرین خلوت گزینی با معبود و جدایی از مظاهر مادی و دنیوی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در کنار دیگر عبادات، به اعتکاف نیز توجه خاصی داشتند. آن حضرت برای انجام این مهم، بهترین زمان ها را بر می گزیدند و همواره بر این سنت تأکید داشتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر اعتکاف در ماه رمضان - به ویژه دهه آخر آن - اهتمام می ورزید و آن را برابر با دو حج و دو عمره

۶. چنان که ملاحظه شد روایاتی از روزه دار بودن حضرت در بخشی از شعبان حکایت دارند و روایاتی نیز حاکی از روزه داری حضرت در تمام شعبان اند. از این روی، می توان گفت تفاوت عملکرد حضرت ممکن است برای تسهیل امر بر مسلمانان و دفع توهم و جوب روزه در تمامی شعبان باشد؛ چنان که سال ها بعد، فرقه خطابییه از سرکژ فکری به وجوب روزه این ماه همچون روزه ماه رمضان معتقد شدند، و تکذیب روزه دار بودن پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام در این ماه در بعضی روایات به علت وجود دیدگاه خطابییه بوده است. در این باره، ر.ک: الکافی، ج ۴، ص ۹۱، ح ۶.

۱. عن ابی سعید المقری قال حدثنا اسامة بن زید قال: «کان رسول الله صلی الله علیه و آله یصوم الايام حتی یقال لا یفطر، و یفطر حتی یقال لا یصوم. قلت: رأیته یصوم من شهر ما لا یصوم من شیء من الشهور؟ قال: نعم، قلت: ای الشهور؟ قال: شعبان هو شهر یفعل الناس عنه بین رجب و رمضان، و هو شهر ترفع فیہ الاعمال الی رب العالمین فاحب أن یرفع عملی و انا صائم (محمد بن علی ابن بابویه قمی، ثواب الاعمال، ص ۶۱)؛ ... عن انس قال: سئل رسول الله صلی الله علیه و آله أی الصیام أفضل؟ قال: شعبان تعظیماً لرمضان (همان).

۲. عن ابن القداح عن ابی عبد الله علیه السلام قال: کان رسول الله صلی الله علیه و آله اول ما یفطر علیه فی زمن الرطب الرطب، و فی زمن التمر التمر (احمد بن محمد بن خالد برقی، المحاسن، ج ۲، ص ۵۳۱؛ الکافی، ج ۴، ص ۱۵۳).

۳. عن اسحاق بن عمار عن ابی عبد الله علیه السلام، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: ان الله تبارک و تعالی کره لی ست خصال و کرهتهن للأوصیاء من ولدی و أتباعهم من بعدی، العبث فی الصلاة، و الرفث فی الصوم و المن بعد الصدقة و اتیان المساجد جنباً و التطلع فی الدور و الضحک بین القبور (محمد بن علی ابن بابویه قمی، النخصال، ص ۳۲۷).

می دانست.^۱ بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام، آن حضرت ابتدا دهه اول ماه رمضان، سپس دهه دوم و در نهایت دهه سوم این ماه را برای انجام اعتکاف برگزیدند، و پس از آن تا آخر عمر، بر اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان مداومت داشت.^۲

نیز از آن حضرت نقل شده است که چون دهه آخر ماه رمضان فرا می رسد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رختخواب خویش را جمع می کرد و خود را کاملاً مهیای عبادت می ساخت و در زیر سایبانی که برای ایشان فراهم می شد مشغول عبادت می گشت.^۳

(۱۰۷)

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شب اول از دهه آخر رمضان در میان مردم برخاست و پس از حمد و ثنای الهی، فرمود: «ای مردم، خداوند [در این ماه] شما را در برابر دشمنانتان از جن و انس کفایت کرده و به شما وعده اجابت داده و فرموده است: مرا بخوانید تا اجابتان کنم. همانا آگاه باشید که خداوند بر هر شیطان سرکشی تا پایان این ماه هفت ملک را مسلط ساخته است. همانا درهای آسمان از ابتدا تا انتهای شب گشوده و دعا در آن پذیرفته است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از این سخنان آماده اعتکاف شد و خانه را ترک کرد و تمام دهه آخر رمضان را معتکف بود و تمام شب ها را بیدار می ماند، و هر شب بین نماز مغرب و عشا غسل می کرد».^۴

۱. فی روایة السکونی باسناده عن الصادق علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: اعتکاف عشر فی شهر رمضان يعدل حجّین و عمرتین (من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۸؛ احمد بن محمد اشعری، النوادر، ص ۲۰۸ - ۲۰۹). و روینا عن جعفر بن محمد علیه السلام، عن ابيه عن آبائه، ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال: اعتکاف العشر الاواخر من شهر رمضان يعدل حجّین و عمرتین (نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۶).

۲. عن ابي العباس عن ابي عبدالله علیه السلام قال: اعتکف رسول الله صلی الله علیه و آله فی شهر رمضان فی العشر الاول ثم اعتکف الثانية فی العشر الوسطی ثم اعتکف فی الثالثة فی العشر الاواخر ثم لم یزل یعتکف فی العشر الاواخر (الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵).

۳. عن الحلبي عن ابي عبدالله علیه السلام قال: كان رسول الله صلی الله علیه و آله اذا كان العشر الاواخر اعتکف فی المسجد و ضربت له قبة مشعر و شمّر المثزور و طوی فراشه، و قال بعضهم: و اعتزل النساء؟ فقال ابو عبدالله علیه السلام: اما اعتزال النساء فلا (المراد به الاعتزال بالكلية، بحيث یمنع عن الخدمة و المكالمة و الجلوس معه) (الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵).

۴. و روینا عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابيه عن آبائه: ان رسول الله صلی الله علیه و آله قام اول ليلة من العشر الاواخر من شهر رمضان. فحمد الله و أثنى علیه ثم قال: ایها الناس، قد کفاکم الله عدوکم من الجن و الانس و وعدکم الاجابة.

حج نیز جلوه‌ای دیگر از سیره عبادی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود. ایشان چه در دوران پیش از بعثت و چه پس از آن، همواره بر انجام و احیای حج ابراهیمی اهتمام داشت. گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارند که حضرت حتی در دوران پیش از بعثت نیز افراد را از آلوده ساختن این سنت توحیدی به مظاهر شرک، نهی می‌کرد. برای مثال، زید بن حارثه می‌گوید پیش از بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله هنگامی که در حال طواف خواستم دو بت [إساف و نائلة] را مس کنم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرا از این کار نهی فرمود.^۱ پس از بعثت نیز در ایام حج، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام این مناسک و حضور در مواقف را فرصتی مناسب برای دعوت می‌دانست. همچنین پس از هجرت به مدینه، در سال ششم، آن حضرت پس از رؤیایی صادق و امر الهی^۲ عازم عمره شد که مشرکان مانع ورود ایشان به مکه شدند و بدین جهت در سال هفتم - طبق پیمان حدیبیه - عازم مکه شد و «عمرة القضاء» به جای آورد. پس از آن نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دو بار دیگر موفق شد به زیارت خانه خدا برود: در سال هشتم با فتح مکه، عمره انجام داد؛ و در سال دهم نیز آخرین حج یعنی حجة الوداع را به جای آورد.

گفتنی است آن حضرت افزون بر اهتمام عملی و تأکید قولی بر انجام حج و عمره، بر زدودن گرد تحریف و رفتارهای شرک‌آلود از این عبادت مهم فردی و اجتماعی تأکید ویژه‌ای داشت. برای مثال، در سال هفتم و در جریان «عمرة القضاء» هنگامی که برخی مسلمانان به علت وجود دو بت، إساف و نائلة بر روی دو کوه صفا و مروه، از انجام سعی سر باز زدند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ابلاغ آیه ۱۵۸ سوره بقره،^۳ بر جدایی ناپذیری این اعمال از سعی

﴿فقال: ادعوني استجب لكم، الا وقد وكل الله بكل شيطان مرید سبعة املاك، فليس بمحاول حتى ينقضی شهرکم هذا، الا و ابواب السماء مفتحة من اول ليلة منه الى آخر ليلة. الا والدعاء فيه مقبول، ثم شمر رسول الله صلی الله علیه و آله و شد مژره من بيته واعتكفهن واحيا الليل كله، و كان يغتسل كل ليلة بين العشائين (نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۶).﴾

۱. احمد بن شعيب نسائي، السنن الكبرى، ج ۵، ص ۵۵.

۲. لقد صدق الله رسوله الرؤيا بالحق لتدخلن المسجد الحرام ان شاء الله آمنين محلقين رؤوسكم و مقصرين لتخافون فعلم ما لم تعلموا فجعل من دون ذلك فتحاً قريباً (فتح، ۲۷).

۳. ان الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج البيت أو اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما....

بین صفا و مروه تأکید ورزید.^۱ همچنین در حجة الوداع، مسلمانان از نزدیک شاهد انجام اعمال صحیح حج از سوی آن حضرت بودند.

نتیجه

پیامبر اکرم ﷺ برای کسب درجه نبوت، در مرحله اول، نیازمند معرفت بود. معرفت نیز، پیامبر را به عبادت و اظهار بندگی و خضوع در برابر خالق یگانه سوق می داد. از سویی معراج نیز که در چندین مرحله صورت گرفت، برای بالا بردن درجه معرفت و بینش پیامبر گرامی اسلام بوده است.

(۱۰۹)

حرکت رو به کمال معرفتی پیامبر، چنان درجه‌ای از شهود و یقین را برای آن حضرت پدید آورد، که پرده‌های غیب از برابر دیدگان ایشان کنار رفت و حضرت چیزهایی را که دیگران نمی دیدند مشاهده می کرد و از آنها خبر می داد. همین نکته موجب تمایز القائات شیطانی از پیام‌های وحیانی است؛ یعنی دریافت‌های وحیانی در چنان مرتبه والایی از معرفت و آرامش درونی اند که گویا پیامبر گرامی اسلام همه آنها را به چشم خود مشاهده می کرد.

همین معرفت والا به خداوند متعال، جوارح پیامبر اکرم ﷺ را به کار می گرفت و خواب و آسایش را از وی می ربود، و ایشان برای اظهار بندگی و خضوع و خشوع در برابر خداوند، به عباداتی می پرداخت که دیگران طاقت انجام آنها را نداشتند. حضرت رسول ﷺ ساعاتی از شب و روز خود را به این امر اختصاص داده بود، و عبادت‌های ایشان در قالب نماز و یاد الهی، تهجد، نوافل شب، روزه، اعتکاف، حج و عبادت‌های سنگین و طولانی و... تجلی می یافت.

کتابنامه

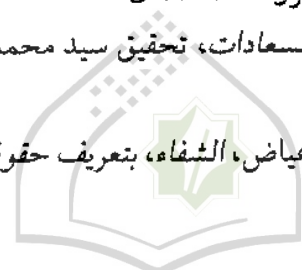
۱. نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح.
۲. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، تحقیق حسین اعلمی، اعلمی، بیروت، ۱۴۰۴ ق.

۱. ر.ک: الکافی، ج ۴، ص ۲۴۷؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۵۶؛ نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۳۲۰؛ محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۹۷؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۵، ص ۱۵۸؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۲۴.

۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، علل الشرایع، حیدریه، نجف، ۱۳۸۶ ق.
۴. ابن حنبل، احمد، مسند احمد، دارصادر، بیروت.
۵. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، تحقیق لجنة من اساتذة النجف الاشرف، مطبعه محمد کاظم حیدری، نجف، ۱۳۷۶ ق.
۷. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، الخصال، تحقیق علی اکبر غفاری، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۳ ق.
۸. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار صادر، بیروت، [بی تا].
۹. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ابو جعفر محمد بن علی، الامالی، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. ابن طاووس، رضی الدین سید علی بن موسی، الدرر الوقیة، تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۱. ابن طاووس، سید رضی الدین علی، الاقبال بالاعمال الحسنه فی ما یعمل مرة فی السنة (اقبال الاعمال)، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۴ ق.
۱۲. ابن انس، مالک، الموطأ، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۱۳. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، فضائل الأشهر الثلاثة، تحقیق غلامرضا عرفانیان، چ دوم، دارالمحجة البيضاء، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، با مقدمه سید محمد مهدی السید حسن خراسان، چ دوم، منشورات الشریف الرضی، قم، ۱۳۶۸.
۱۵. الاشعری القمی، ابی جعفر احمد بن محمد بن عیسی، کتاب النوادر، تحقیق و نشر مدرسه الامام المهدي عليه السلام، قم، ۱۴۰۸ ق.
۱۶. البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۱۷. البرقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، تحقیق سید جلال الدین الحسینی، دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. البیهقی، احمد بن الحسین بن علی، السنن الکبری، دارالفکر، بیروت، [بی تا].
۱۹. الترمذی، محمد بن عیسی، الشمائل المحمدیه صلى الله عليه وآله، تحقیق سید عباس الجلیمی، مؤسسة الکتب الثقافیة، بیروت، ۱۴۱۲ ق.
۲۰. الترمذی، محمد بن عیسی بن سورة، الجامع الصحیح (سنن ترمذی)، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. الحارثی العاملی، بهاء الدین محمد بن الحسین بن عبدالصمد، الحبل المتین، بصیرتی، قم، [بی تا].
۲۲. الحاکم الحسکانی، عبیدالله بن احمد، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل فی الآیات النازلة فی اهل البيت عليهم السلام، تحقیق محمد باقر محمودی، مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، تهران، ۱۴۱۱ ق.
۲۳. الحرّ العاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعة، تحقیق محمد رازی، اسلامیه، تهران.
۲۴. الحسنی الراوندی، فضل الله بن علی، النوادر، تحقیق سعید رضا علی عسکری، دارالحديث، قم، ۱۳۷۷.
۲۵. الحمیری البغدادی، ابوالعباس عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، تحقیق و نشر مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. الخطیب البغدادی، احمد بن علی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۷ ق.

۲۷. الدار قطنی، علی بن عمر، العلل الواردة فی الاحادیث النبویة، تحقیق محفوظ الرحمان زین الله السلفی، دار طيبة، ریاض، ۱۴۰۵ ق.
۲۸. السجستانی، سلیمان بن الأشعث، سنن ابی داوود، تحقیق سید محمد اللحام، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ ق.
۲۹. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمان بن ابی بکر، الجامع الصغیر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ ق.
۳۰. الصنعانی، ابوبکر عبدالرزاق بن همام، المصنف، تحقیق حبیب الرحمان الاعظمی، [بی جا، بی نا، بی تا].
۳۱. الطبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، تحقیق حمدی عبدالمجید السلفی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، [بی تا].
۳۲. الطبرسی، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب، الاحتجاج، تحقیق سید محمدباقر خراسان، دارالنعمان، نجف، ۱۳۸۶ ق.
۳۳. الطبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، چ چهارم، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۳۴. الطوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن خراسان و شیخ محمد آخوندی، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۵.
۳۵. الطوسی، محمد بن الحسن، الامالی، تحقیق مؤسسة البعثة، دارالثقافة للطباعة و النشر و التوزیع، قم، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. الطوسی، محمد بن الحسن، الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار، تحقیق سید حسن موسوی خراسان، چ چهارم، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۳.
۳۷. العاملی، زین الدین علی، رسائل الشہید الثانی، بصیرتی، قم، [بی تا].
۳۸. العاملی، عزالدین شیخ حسین بن عبدالصمد، العقد الحسینی، تصحیح سید جواد مدرس یزدی، گلبهار، یزد، [بی تا].
۳۹. القزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر، بیروت، [بی تا].
۴۰. القزوینی، محمد بن یزید بن ماجه، سنن ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، دارالفکر، بیروت، [بی تا].
۴۱. القمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، تحقیق سید طیب الموسوی الجزائری، مؤسسة دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ ق.
۴۲. الموصلی، احمد بن علی، مسند ابی یعلی الموصلی، تحقیق حسین سلیم اسد، دارالمأمون للتراث، بیروت، [بی تا].
۴۳. النسائی، ابو عبدالرحمان احمد بن شعیب، السنن الکبری، تحقیق عبدالغفار سلیمان البنداری و سید کسروی حسن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۱ ق.
۴۴. النیسابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت.
۴۵. الهندی، علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیاتی، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
۴۶. بخاری، محمد ابن اسماعیل، شرح صحیح مسلم، النووی، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۴۷. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الاسلام.
۴۸. حسینی، محمدباقر (میرداماد)، الرواشح السماویة، تحقیق غلامحسین قیصریه‌ها و نعمة الله جلیلی، دارالحدیث، قم، ۱۴۲۲ ق.
۴۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، معجم مفردات الفاظ القرآن، دارالفکر، بیروت، [بی تا].
۵۰. سبزواری، ملا هادی، شرح الاسماء الحسنی، بصیرتی، قم، [بی تا].

۵۱. سیزواری، ملا محمدباقر، ذخیرۃ المعاد فی شرح الارشاد، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم، [بی تا].
۵۲. شرف‌الدین الموسوی، سید عبدالحسین، الفصول المهمة فی تألیف الامة، مؤسسة البعثة، تهران، [بی تا].
۵۳. صفّار، محمد بن الحسن، بصائر الدرجات، تحقیق میرزا حسن کوچہ باغی، منشورات الاعلمی، تهران، ۱۴۰۴ ق.
۵۴. طبرسی، رضی‌الدین ابی نصر الحسن بن الفضل، مکارم الأخلاق، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۲ ق / ۱۹۷۲ م.
۵۵. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، مکتبة العلوم الاسلامیة، تهران، [بی تا].
۵۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، چ سوم، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ ق.
۵۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار؛ مؤسسه الوفاء، چ دوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
۵۸. مفید، محمد بن محمد، الامالی، تحقیق حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، نشر جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۴ ق.
۵۹. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، تحقیق مؤسسة آل البيت لتحقیق التراث، چ دوم، دارالمفید، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۶۰. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، تحقیق سید محمد کلانتر و مقدمه محمدرضا مظفر، دارالنعمان، نجف، [بی تا].
۶۱. یحیی، قاضی ابی الفضل عیاض، الشفاء، بتعریف حقوق المصطفی ﷺ، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۹ ق.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی